

## ZENITH OF POLITICAL HYPOCRISY AND TWISTED MIND

اوج فریبکاری سیاسی و تعقل چلبیده

حزب مرز پر گوهر بیانیه ای در باره دستگیری صدام حسین دیکتاتور حزب سوسیالیستی بعث که توسط سربازان آمریکایی سرنگون و دستگیر شده منتشر کرده است، که نشاندهنده فلسفه فریبکارانه و شونیستی و نژادپرستانه این حزب است. در این بیانیه این حزب دستگیری صدام را به مردم ایران تبریک میگوید بدون اینکه از فداکاری های جانی و مالی مردم و سربازان آمریکایی نامی ببرد و به مردم ایران یادآوری بکند که این دادگری تاریخی را مدیون مردم و سربازان آمریکایی هستند. اصولاً نادیده گرفتن تواتر وقایع تاریخی از شگرد های فریبکاران سیاسی با تعقل چلبیده است که حزب مرز پرگوهر از پیشیان سیاسی خود جبهه ملی و کمونیست ها کسب کرده است. بدون تردید این حزب در کنار سایر بخش های جبهه ملی و سازمان های کمونیستی زیر پوشش صلح طلبی با حمله آمریکا و متحدان معدودش به عراق به منظور سرنگونی رژیم صدام حسین مخالفت کرده بود و در اروپا و کانادا در تظاهرات صلح طلبانه و در حقیقت برای ادامه رژیم صدام حسین شرکت کرده بود. حالا که واقعیت تاریخی به کوشش آمریکا ایجاد شده است، این حزب در کمال بیشرمی دستگیری صدام حسین را به مردم تبریک میگوید و از فداکاری های جانی و مالی آمریکا برای این دستگیری یاد نمیکنند. این حزب مانند دوستان تاریخی خود کمونیست ها و حزب اله همواره مراقب است مواضع ضد آمریکای و اروپایی خود را حفظ کند و هیچ اثر مثبتی برای آنها قائل نشود.

در جای دیگر این بیانیه صدام حسین را مسئول جنگ ایران و عراق و مسئول کشته شدن نیم میلیون ایرانی معرفی میکند بدون اینکه از همین تعداد کشته های عراقی یاد کند که تعقل شونیستی این حزب را نشان میدهد. در اینجا دوباره نویسنده یا نویسندگان این بیانیه تواتر تاریخی را فراموش میکنند و آن این است که بدون همکاری جبهه ملی باحزب اله و خیانتش به بختیار و همکاری کمونیست ها با حزب اله، خمینی رژیم اسلامی را نمیتوانست بر ایران حاکم کند که بیمه بقای رژیم اسلامی، ویرانی ارتش ملی یا شاهنشاهی بود که از مرزهای غربی ایران دفاع می کرد. همچنین به گفته آیت اله منتظری و سایر مقامات رژیم اسلامی بیان آشکار هدف حزب اله به تصرف مراکز مقدس شیعیان در جنوب عراق دلیل دیگری به حمله صدام به ایران بود. صدام با حمله به ایران در جنگی که رژیم اسلامی برای نابودی رژیم عراق به روش خود شورش های داخلی توسط ستون پنجم خود حزب اله تدارک دیده بود درجنگ پیش دستی کرد. بنابراین مدافعان دو آتشه انقلاب 57 مسئولیت قابل ملاحظه ای برای جنگ ایران و عراق دارند. لازم نیست که یک نفر نابغه سیاسی باشد تا بداند که جنگ یکی از مصیبت های انقلاب اسلامی 57 است مگر اینکه یکی از فریبکاران حزب مرز پرگوهر باشی. در جای دیگری شونیست های این حزب جمهوری اسلامی را سرزنش میکنند که چرا غرامت جنگی از عراق نگرفته است، مانند اینکه جمهوری اسلامی چنین تلاشی را نکرد و از طرف جامعه جهانی پس زده نشد. از طرف دیگر به نظر میرسد حزب نگران اینست که جمهوری اسلامی منابع مالی کافی در اختیار ندارد تا اهداف اسلامی سیاسی خود را در خاورمیانه پیش ببرد. از آن گذشته حزب فکر میکند صدام حسین از جیب خودش میخواد غرامت جنگی بپردازد نه از ثروت ملی عراق. از همه گذشته این حزب نمیفهمد که دوستی ملت ها و کشور های همسایه برپایه فراموش کردن دشمنی ها گذشته است و کوشش برای ساختن آینده صلح آمیز است.

تا اینجا ما میدانیم که شونیست های مرز پر گوهر از آمریکا آنچنان متنفراند که نامی از آنها در عراق نمیآورند. در ادامه بیانیه از انقلاب آرزومندان غیر مذهبی خود حرف میزنند که در آن مقامات جمهوری اسلامی را محاکمه خواهند کرد و وام هایی را که کشور های اروپایی در رژیم اسلامی به ایران داده اند را مصادره "ملی" خواهند کرد. در اینجا این حزب نشان میدهد چقدر به قانونمندی مالی جهانی معتقد است که آشکارا از تعقل سنتی جبهه ملی و کمونیستی خود سخن میگوید. مانند این است که مردم بعد از تجربه تلخ قانونمند نبودن سیاسی جهانی رژیم اسلامی علاقمند هستند به تجربه دیگری در قانونمند نبودن مالی احتیاج دارند. و در اینجا هم دوباره به تعبیر غلط خود در مورد عراق اشاره میکنند. در عراق دولت آمریکا از کشورهای اروپایی که عمدتاً روسیه، فرانسه و آلمان هستند در خواست میکند که وام هایی که در دوران رژیم صدام حسین به عراق داده اند به آن ببخشند و به این ترتیب به سازندگی عراق کمک کنند. در اینجا کلید سیاسی جمله درخواست و تقاضا است که کشورهای وام دهنده میتوانند قبول کنند و یا رد کنند و کلید دیگر درخواست کننده است که آمریکا است که مشکل کشوری درخواست او را رد کند و عواقبی برایش نداشته باشد. در صورتیکه، در بیانیه حزب پر گوهر کشورهای اروپایی تهدید به مصادره وام ها و دارایشان در ایران میشوند و برای ما که حافظه سیاسیمان را از دست نداده ایم بیاد میآوریم که آخرین باری که جبهه ملی دست به مصادره شرکت نفتی

انگلیس زد چه مشکلاتی برای ایران به بار آورد که علاوه بر نابود کردن دموکراسی 12 ساله ایران، آنرا بعنوان کشوری که به قوانین مالی جهانی احترام نمیگذارد در دنیا معرفی کرد و اعتبارات مالی دراز مدت و شریک مالی قابل اعتماد بودن را از ایران سلب کرد. مسلماً نویسندگان بیانیه مرز پرگوهر به همان سادگی که حاضرند اعتبار مالی جهانی ایران را در دنیا نابود کنند، حاضر نیستند با اعتبار شخصی خود در خارج رفتار کنند و با نپرداختن وام مسکن و کارت های اعتباری خود اعتبار مالی خود را از بین ببرند. نکته دیگری که به نظر میرسد فهم آن برای این بازماندگان جبهه ملی و همبستران سیاسی حزب اله درساله های 20، 32، 42 و 57 غیر ممکن است، این است که برای دنیای خارج فرقی نمیکند که چه نیروی سیاسی بر ایران حاکم است تا وقتی که این نیروی سیاسی بیرون از مرزهای جغرافیایی ایران رفتار خصمانه ای نداشته باشد که منافع قدرت های بزرگ جهانی را به خطر بیندازد. مانند موضع جمهوری اسلامی برای صلح اسرائیل و فلسطینی ها و کوشش آن برای دستیابی به سلاح های هسته ای. بنابراین این انتظار که دموکراسی های اروپائی و آمریکا در جهت یک یا چند نیروی سیاسی سرکوب شده توسط نیروی سیاسی حاکم که کم و بیش تمام آن ها ضد غربی هستند موضع بگیرند نه تنها ساده لوهانست بلکه احمقانه است.

[info@iranpolitics.org](mailto:info@iranpolitics.org)

کامبیز باسطوت 04-فوریه-15